



حمید سلیمیان از «بهشت گمشده» به «صبا» می‌گوید

می‌دانستم اسفند یعنی فیلم سوزی!

گروه سینما
گفت و گو

فیلم سینمایی «بهشت گمشده» به کارگردانی حمید سلیمیان این روزها در سینماهای مختلف در حال اکران است؛ فیلمی که گرچه برای مخاطب کودک و نوجوان است اما خانواده‌ها نیز می‌توانند به تماشای آن بنشینند. اما این فیلم در فرآیند ساخت و اکران، اتفاق‌های متفاوتی را از سر گذرانده که معمولا در سینمای ایران بی‌سابقه است. به بهانه اکران عمومی این فیلم با حمید سلیمیان کارگردان آن به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

قرار می‌گیرد اما نکته قابل توجه درباره آن، این است که علاوه بر طیف کودک و نوجوان به سبب وجود خط قصه‌ای دیگر که داستان معلم و همسرش است، خانواده‌ها نیز به تماشای فیلم می‌نشینند و با آن همراه می‌شوند!

حقیقتا دوست دارم در فیلمی که می‌سازم فضاها و ژانرهای مختلف را تجربه کنم و حتی مخاطبان متفاوتی را با فیلم خود همراه کنم، در فیلمنامه‌ای که برای فیلم دوم خود نوشتم نیز همین رویکرد را دارم. جالب است بدانید اتفاقا آقای آشتیانی پور؛ پخش‌کننده فیلم، نیز همین نکته را در جریان طراحی پوستر یادآور شد که این فیلم هم برای کودک است هم خانواده و هم اجتماعی است.

به همین دلیل کمی برخورد با این فیلم عجیب و غریب می‌شود. تصمیم‌گیری برای چنین اتفاقی یعنی اضافه کردن قصه جدید به فیلم کار اصلا ساده‌ای نبود حتی یاد می‌آید شب قبل از شروع پیش‌تولید با دستیارم تماس گرفتم و گفتم به نظرت ما کار درستی می‌خواهیم انجام دهیم؟ باور کنید از سال ۸۹ که این فیلم را کلید زدم تا به امروز برایش دویدم.

اما پس از سال‌ها تلاش، فیلم شما در زمانی اکران شد که اصلا مناسب نیست و فیلمسازان کمتر به اکران در این بازه زمانی تن می‌دهند، چه دلایلی باعث شد به اکران در این فصل رضایت دهید؟

من به عنوان فیلمساز و یا هر کارگردان دیگری، وقتی اثری را خلق می‌کنیم تمام دغدغه‌مان این است که آن فیلم توسط مخاطب دیده شود. ما فصل پاییز و ماه مهر را از دست دادیم اما قرار بود پیش از جشنواره فجر اکران فیلم «بهشت گمشده» آغاز شود، آقای آشتیانی پور؛ مدیر پخش فیلم «بهشت گمشده»، واقعا لطف کردند و پشت این فیلم ایستادند. در حال حاضر کمتر پخش‌کننده‌ای را می‌بینید که دغدغه‌مند باشد و نگاهش فقط معطوف به فروش فیلم نباشد. از شما می‌پرسم چند درصد فیلم‌هایی که اکران می‌شوند به واقع سینما هستند و مولفه‌های سینمایی دارا هستند؟ خیلی کم! متاسفانه این روزها ارزش فیلم‌ها بنا بر فروش آن‌ها تعیین می‌شود. در حال حاضر سینماداران فیلم‌هایی را اکران می‌کنند و سالن بیشتر به آن می‌دهند که فروش بیشتری داشته باشد. من یعنی حمید سلیمیان با فیلم‌های دهه ۷۰ «هامون»، «لیلا»، «ناصرالدین شاه آکتور سینما» و... عاشق سینما شدم؛ زمانی که سینما شور داشت و ملاک ارزشمند بودن یک فیلم فروش آن نبود. در چند سال اخیر بنا به وضعیت اقتصادی کشور فروش آثار ملاک شده است. ما سال‌هاست دچار زلزله شده‌ایم، زلزله یک اتفاق بیرونی نیست ما از درون ویران شده‌ایم. افتتاحیه فیلم من با حضور بچه‌های کار بود و این یکی از بهترین اتفاقات زندگی‌ام بود چرا که معتقدم در وضعیت بحرانی به‌سر می‌بریم و اگر به همین منوال جلو برویم هیچ چیز از انسانیت نخواهد ماند. سینما وظیفه فرهنگ‌سازی دارد. اما در ادامه صحبت‌م و در جواب سوال شما باید بگویم کمتر کسی برای اکران این فیلم ریسک می‌کرد.

آقای آشتیانی پور و آقای طباطبایی فیلم را دیدند و چون از آن تاثیر گرفتند برای اکران فیلم پای کار ایستادند. من می‌دانستم اسفند یعنی فیلم سوزی اما این را هم می‌دانستم که با وجود ترافیک آثار در صف اکران، بعید است سال آینده بتوانم فیلم را اکران کنم. حتی اگر می‌شد قاعدتا با کمترین سالن و در شرایطی نامناسب فیلم اکران می‌شد. البته برای من مهم کیفیت است نه کمیت! این که معلمی پس از تماشای فیلم به من می‌گوید این فیلم زندگی من را تغییر داد یا این که کودکان ارمنه از تماشای اثر لذت بردند برای من کافی است.

ظاهر آن طور که از فیلم برمی‌آید بخش‌هایی از اثر یعنی قصه بچه‌ها و ماجراهای جنگل در یک برهه زمانی و قصه معلم و همسرش در برهه‌ای دیگر ساخته شده، چرا این اتفاق افتاد؟ بعید می‌دانم تعمدا در کار بوده باشد!

سال ۸۹ پس از پایان ساخت فیلم، از ماحصل کار رضایت نداشتم و چندان راغب نبودم که فیلم در جایی نمایش داده شود، البته منظورم این نیست که فیلم بدی از آب درآمده بود، اصلا! اما فکر می‌کردم آن نسخه از فیلم به لحاظ قصه و درون‌مایه کاستی‌هایی دارد، از سوی دیگر برای رسیدن به خروجی خوب، همه عوامل تاثیرگذارند اما در نهایت این کارگردان است که مورد قضاوت قرار می‌گیرد نه هیچ کدام از عوامل! با این همه آن نسخه از فیلم چیزی نبود که من را قانع کند و تصور می‌کردم اگر اکران شود نمی‌تواند مخاطب را با خود تا انتها همراه کند. در نتیجه تصمیم گرفتم کاری کنم که اثر جذاب‌تری روی پرده برود. صادقانه می‌گویم ابتدا خواستم فیلم را به همان صورت بدون هیچ تغییری اکران کنم اما این اتفاق میسر نشد حتی دوران قابل توجهی افسردگی گرفتم و دیگر فیلم نساختم. منبع درآمد در آن برهه زمانی از طریق اشتغال به حرفه تدوین بود. اما پس از این دوران تصمیم گرفتم در جهت اکران اثر، برای نمایش ویژه دانش‌آموزان اقدام کنم. یکی از دوستان که از مشاوران وزیر آموزش و پرورش بود بعد از تماشای اثر پیشنهاد داد با توجه به درون‌مایه خوب و مناسب فیلم اگر امکان دارد یک کاراکتر معلم به فیلم اضافه کنیم. با این پیشنهاد موافق بودم و سعی کردم قصه‌ای را به فیلم اضافه کنم. من از بچه‌های سینمای جوان و تجربی هستم و شاید زمانی فکر می‌کردم ساختاری متفاوت می‌تواند جذاب باشد اما در حال حاضر به خوبی می‌دانم فقط یک لحظه نمی‌تواند مخاطب را با اثر عجین کند این قصه و فیلمنامه است که می‌تواند مخاطب را با فیلم تو همراه کند. این شد که در نهایت قصه دیگری به فیلم اضافه شد.

شاید این پیشنهاد می‌توانست نجات‌دهنده فیلم باشد اما کار پرریسک و چالشی هم بود که پس از گذشت چند سال برای ساخت سکانس‌هایی جدید در جهت اضافه شدن یک قصه دیگر به فیلم اقدام کنید!

قطعا، نگارش یک فیلمنامه جدید به مراتب کار آسان‌تری بود تا این کار! این که تو یک کت داشته باشی و بخواهی اندازه تن کسی کنی کار دشوارتری است تا این که بخواهی یک کت بدوزی! با این وجود این کار را انجام دادم و خوشبختانه در حال حاضر چفت‌وبست میان قصه‌ها به خوبی برقرار است و رفت‌وبرگشت‌های میان دو قصه بجاست. پس از گرفتن چنین تصمیمی، چند ماه مشغول نگارش فیلمنامه قصه جدید بودم و آقای خرسندی نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های جدید وارد پروژه شدند، همچنین سهم مرکز گسترش سینمای تجربی را خریداری کردند و فیلم به‌طور کل در انحصار خودمان قرار گرفت.

اما فکر می‌کنم در پروسه انتخاب بازیگر نیز شرایط چندان هموار نبوده است، به هر ترتیب کمتر بازیگری قبول می‌کند تا در چنین شرایطی به گروه اضافه شود!

ما به هر کسی که این تصمیم را می‌گفتیم، تعجب می‌کرد و جا می‌خورد. نام نمی‌برم اما بودند کسانی که گفتند این تجربه در سینما موفق نخواهد بود به همین دلیل ما در آن حضور پیدا نمی‌کنیم. از سوی دیگر فارغ از بازیگران ما دغدغه دیگری هم داشتیم و آن عوامل پروژه بودند. این که از آن‌ها بخواهیم دوباره سر پروژه حاضر شوند و فیلم قرار است تغییراتی کند خودش ماجراهایی را به همراه داشت. اما به هر ترتیب این کار را با وجود تمام سختی‌هایش انجام دادیم.

فیلم شما در زمره فیلم‌های سینمای کودک و نوجوان

نگاهی به جشنواره تلویزیونی «جام‌جم» با پایان دریافت آرای مردمی

کمی حاشیه هم بدنیست!

فاطمه رستمی

گزارش

اختتامیه پنجمین دوره از جشنواره تلویزیونی «جام‌جم» به دبیری مسعود احمدی افزودی، ۱۲ اسفندماه برگزار می‌شود. این جشنواره که با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی هم‌زمان شده است، طبق تصمیم شورای سیاست‌گذاری، امسال با بخش‌های بیشتر و متنوع‌تری کارش را آغاز کرد. در موثر بودن چنین رویدادهایی، شکی نیست و قطعاً بسیاری از این هنرمندان با جشنواره‌ای مثل «جام‌جم» موافق هستند، اما با یک نگاه کلی مشخص می‌شود که این جشنواره راه‌درازی پیش رو دارد تا به استاندارد لازم برای پوشش نظرسنجی‌هایی در حد ملی برسد.

از «سیما» تا «جام‌جم»

سکانس اول جشنواره‌های تلویزیونی در ایران، مربوط به سال ۷۴ است. هدف از جشنواره؛ ارزیابی عملکرد تولید، ارتقای سطح کیفی برنامه‌سازی، تشویق به حمایت آثار برگزیده و ایجاد فضای مناسب رقابت بود و با عنوان اولین جشنواره «سیما» طی سه روز برگزار شد.

آن زمان علی لاریجانی رئیس صداوسیما بود(سال‌های ۸۳–۷۲). این رویداد در سال‌های ۷۵،۸۰ و ۸۲ با تغییرات جزئی ادامه یافت که در دوره سوم ایجاد ارتباط دوسویه بین سیما و مخاطب، کمک به بررسی و ارزیابی فعالیت‌های سیما توسط مخاطبان و رسانه‌های گروهی به سیاست‌های جشنواره اضافه شد. در دوره چهارم که ادامه دوره‌های قبل بود، دستیابی به دو هدف «تلویزیونی شدن» و «مردمی شدن» با ارزیابی و ارزش‌گذاری از دو زاویه «نگاه تخصصی داوران» و «نگاه و پسند مردمی» از اهداف اصلی جشنواره اعلام شد. در یک بازه زمانی تقریباً شش‌ساله خبری از جشنواره، رقابت، انتخاب اثر و... در تلویزیون نبود، تا این‌که در سال ۸۸ جشنواره «فیلم‌های تلویزیونی» مطرح شد. این رویداد صرفاً به فیلم‌های تولیدی تلویزیون در جریان تغییرات نگاه سازمان می‌پرداخت؛ تولیداتی که آن زمان از نظر کمی افزایش یافته بود.

شهربانو جمعه پور
گفت و گو

«کلاه پهلوی» از جمله سریال‌های تاریخی ایرانی محسوب می‌شود که به کارگردانی مرحوم سیدضیاءالدین دری در سال‌های اولیه دهه ۹۰ ساخته و از طریق شبکه یک سیما روی آنتن رفته است. در این سریال، بازیگران متعددی حضور داشتند که از آن جمله می‌توان به نژی یا قاسمی، گوهر خیراندیش، فرهاد انیش، رضا کیانیان، محمدرضا شرفی‌نیا، امین حیایی، مریلا زارعی، داریوش کاردان، سارا خوثینی‌ها، صالح آقامیرزایی، شقایق قراهانی، سیروس گرجستانی، شهره لرستانی، امیرعلی دانایی، امیرحسین ارمان و مریم بوبانی اشاره کرد. رضا قیاضی نیز یکی از بازیگران سریال «کلاه پهلوی» است که سابقه نویسندگی، کارگردانی، اجرا و صداییشگی را در کارنامه هنری‌اش دارد. او تاکنون علاوه بر بازی در آثار مختلف تلویزیونی و سینمایی، در کارهای ماندگار و خاطر‌انگیزی که برای کودکان و نوجوانان ساخته شده ازجمله «زی‌زی گولو» و «دنیای شیرین» حضور داشته است. حضور در کارهای تاریخی مانند «پهلوانان نمی‌میرند»، «معمای شاه»، «امیرکبیر»، «تبریز در مه» و «کلاه پهلوی» را نیز باید به رزومه کاری وی افزود.

قیاضی در عرصه ادبیات نیز حضوری فعال دارد و رمان‌هایی مانند «مردی با لاک قرمز» و «پرسه در پاریس» را روانه بازار کرده است. «لوا این‌جا پدری به قتل رسیده» نیز سومین رمان اوست که در حال چاپ است. مجموعه اشعار و نمایشنامه‌هایی نیز از وی به چاپ رسیده است.

به بهانه پخش سریال «کلاه پهلوی» از شبکه آی‌فیلم انگلیسی با وی تماس گرفتیم. وی در این مصاحبه اعلام کرد که طی دو سال گذشته در کیش ساکن بوده و در آن‌جا کتاب‌فروشی داشته است اما در حال حاضر به تهران برگشته و منتظر پیشنهادهای کاری خوب است تا دوباره به بازیگری مشغول شود. در ادامه، گفت‌وگو بارضا قیاضی را می‌خوانید.

تاکنون در چند سریال تاریخی مهم مثل «معمای شاه»، «تبریز در مه»، «کلاه پهلوی»، «امیرکبیر»، «پهلوانان نمی‌میرند» و... شما را دیده‌ایم. می‌توان گفت که در مجموعه‌های تاریخی یکی از گزیننه‌های اصلی بازیگری برای کارگردان‌ها هستید؟

زیاد مطمئن نیستم. شاید این طور باشد که شما می‌گویید. به‌طور کلی من در دو ژانر کار می‌کنم؛ یکی کودک و دیگری کارهای تاریخی. شاید از خوش‌اقبال‌ی‌ام بوده‌است که در کارهای تاریخی نقشی هم برای من در نظر گرفته‌اند اما کار کودک علاقه و عشقم است و کلا قضیه‌اش فرق می‌کند.

اگر هم‌زمان یک کار کودک و یک کار تاریخی به شما پیشنهاد شود، کار کودک را انتخاب می‌کنید؟

با قاطعیت نمی‌توان جواب این سوال را داد. این‌که آثار چه ویژگی‌هایی داشته باشند، مهم است. مثلاً اگر کار کودکی مانند «زی‌زی گولو» یا «دنیای شیرین» به من پیشنهاد شود، قطعاً در مقابل یک کار تاریخی متوسط، آن را انتخاب می‌کنم. اما ممکن است سریال تاریخی‌ای در حد «امیرکبیر» پیشنهاد شود که نمی‌توان به‌سادگی از آن گذشت. اگر شرایط برابر باشد ترجیح می‌دهم کار کودک را انجام دهم.

در کارهای تاریخی معمولاً نقش یک فرد خارجی را بازی می‌کنید، در این ارتباط می‌توان به نقش شما در مجموعه‌های «امیرکبیر» و «کلاه پهلوی» اشاره کرد. این‌که برای این نقش‌ها انتخاب می‌شوید، دلیل خاصی دارد؟

در پاسخ به این سوال نمی‌خواهم به کسی اهانت کرده باشم، اما فکر می‌کنم دلیلش این است که برخی از کارگردان‌ها به‌دنبال راحتی هستند. می‌بینند که فلان نقش را فلان بازیگر خوب درآورده است، برای کارهای بعدی دقیقاً همان کاراکتر را از وی می‌خواهند. به‌نظرم این درست نیست؛ بهتر است از همه توانمندی‌های یک بازیگر استفاده شود. من یک بازیگر هستم و این توانایی را دارم که همه نقش‌ها را بازی کنم اما متأسفانه گاهی اوقات، بازیگران در یک یا دو نقش گیر می‌افتند.

من کارهای تاریخی -مذهبی هم بازی کرده‌ام و به‌نظر خودم خوب هم توانسته‌ام از عهده نقش‌ها برآیم. یا مثلاً نقشی مانند چرچیل را خوب ایفا کردم. گریم این کار خیلی خوب روی صورت‌م نشست و نقش خوب



من نبودم، دستم بود!

پس از انتشار گسترده خبر جابه‌جایی آراء از برنامه «نود» به «برنده باش»! دبیر پنجمین جشنواره تلویزیونی «جام‌جم» خبر از تشکیل جلسه کمیته فنی دبیر خانه جشنواره در راستای صیانت از آرای مردمی از بامداد جمعه داد.

مسعود احمدی‌افزادی گفت: «براساس تحقیقات صورت گرفته مشخص شد یکی از شرکت‌های مجوزدار ای‌سی‌تی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در جذب و شمارش آرای مردمی در ۲۴ ساعت منتهی به روز شنبه هفته جاری سهل‌انگاری کرده و مرتکب تخلف شده است.»

او همچنین در گفت‌وگو با روابط عمومی معاونت سیمای رسانه ملی به پیگیری پلیس فتا در مورد این مشکل تأکید کرد.

همچنین سیداحسان قاضی‌زاده هاشمی؛ عضو شورای نظارت بر سازمان صداوسیما، در گفت‌وگو با «خانه ملت» درباره حواشی برنامه «نود» و «برنده باش» و مسائل مربوط به احتمال تقلب یا خطا، گفت: «این موضوع از جنبه‌های مختلف بررسی خواهد شد و نتیجه آن نیز به شورای نظارت بر سازمان صداوسیما اعلام می‌شود.»

او افزود: «این موضوع ابعاد فنی و حواشی مختلفی دارد که باید همه این موارد در کنار هم به‌صورت جامع مورد بررسی قرار بگیرد.»

رأی‌گیری‌های جشنواره «جام‌جم» شب گذشته ساعت ۲۱ پایان یافت. امیدواریم نتایج این رویداد فرهنگی که در راستای هم‌افزایی و مشارکت هر چه بیشتر مردم با تلویزیون و آگاه‌سازی تولیدکنندگان رسانه ملی شکل گرفته است، باعث بدبینی مخاطبان نسبت به چنین جشنواره‌هایی نشود و مسئولان با فرد یا افراد خاطی رفتاری را که شایسته آن‌هاست داشته باشند؛ فارغ از این‌که آن فرد چهره‌ای مردمی باشد یا تولیدکننده‌ای صاحب‌نام در سازمان صداوسیما یا یک شرکت مجوزدار!